



محتوی اطلاعاتی سود و تأثیر اجتناب مالیاتی بر آن

علی ترکزاده ماهانی^۱

چکیده

هدف این تحقیق مطالعه اجتناب مالیاتی و ارتباط آن با محتوی اطلاعاتی سود است. اگرچه اغلب استفاده‌کنندگان صورتهای مالی مبلغ سود گزارش شده را موردتوجه قرار می‌دهند اما بسیاری از آن‌ها از محتوی اطلاعاتی آن غافل‌اند. محتوی اطلاعاتی سود، معیاری است که بر میزان فایده و تأثیرگذاری سود گزارش شده بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی دلالت دارد و دارای مفهومی متفاوت با مبلغ سود گزارش شده است. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که این محتوی اطلاعاتی سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد برنامه مالیاتی شرکت باشد. از فواید مورد انتظار ناشی از برنامه مالیاتی شرکت تأثیر مثبت روی سود بعد از مالیات و افزایش ارزش شرکت است، این در حالی است که اجتناب مالیاتی می‌تواند سرمایه‌گذاران را در مورد عملکرد شرکت دچار ابهام کرده و سودمندی سود گزارش شده را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، محتوی اطلاعاتی، سود گزارش شده

۱- مقدمه

سود حسابداری، محصول اصلی فرآیند حسابداری تعهدی است. به نظر می‌رسد که هیچ عدد دیگری در صورت‌های مالی، بیش از آن مورد توجه افشار مختلف قرار نمی‌گیرد. آنچه بیش از میزان سود برای استفاده‌کنندگان و حافظان منافع آن‌ها (حسابرسان) مهم است، قابل‌اتکا و واقعی بودن اطلاعات مربوط به سود است. در حالت کلی توانایی شرکت‌ها در گزارشگری سود به‌گونه‌ای که بتوانند اطلاعات مفیدی برای تصمیم‌گیری ارائه کند، یکی از ابعاد مهم کیفیت سود است و در تحقیقات زیادی نیز مطرح گردیده است [1]. در این تحقیق، هدف بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و محتوی اطلاعاتی سود گزارش شده است، طبق تئوری‌های حسابداری اطلاعات افشاشده وقتی مفید تلقی می‌شوند که مفاهیم ارزشی داشته باشند مثلاً باعث شود که قیمت سهام تعدیل گردد [2]. درحالی‌که کاهش درآمد مشمول مالیات اولین چیزی است که با اجتناب مالیاتی به ذهن می‌رسد، اما باید توجه داشت که آنچه برای سهامداران اهمیت زیادی دارد سود خالص است، حال آنکه اجتناب مالیاتی با تحت تأثیر قرار دادن درآمد مشمول مالیات، سود خالص را نیز به دنبال آن تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. لذا شاید انتظار این باشد که برنامه مالیاتی نباید روی سود خالص تأثیر منفی بگذارد یا حداقل باید تأثیر کمی داشته باشد اما به نظر می‌رسد تمایل به کاهش هزینه مالیات، تلاش برای کاهش سود مشمول مالیات را در پی داشته و در نتیجه آن سود خالص نیز تحت تأثیر است. این فعالیت‌های اجتناب‌کنندگان مالیات باعث می‌شود که سهامداران نتوانند به‌خوبی تأثیر این کارها را بر سود خالص شناسایی کنند، لذا ممکن است سود خالص را به‌عنوان معیاری برای تعیین ارزش شرکت کمتر مورد توجه قرار دهند.

۲. مبانی نظری تحقیق

در بسیاری از کشورها، خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته مالیات یکی از منابع اصلی تأمین مالی دولت محسوب می‌شود. اما در کشورهای درحال توسعه به دلیل وجود ساختار تورمی و کارا نبودن سیستم مالیاتی، درآمدهای مالیاتی درصد کمی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. در کشور ما به دلیل عدم شفافیت و ناتوانی سیستم مالیاتی در شناسایی صحیح میزان درآمد بنگاه‌ها و افراد، میزان مالیات تشخیصی عموماً ناچیز می‌باشد، کما اینکه بخش قابل توجهی از همین مالیات تشخیصی نیز به مرحله دوم نمی‌رسد و اگر هم وصول گردد اصل فایده در آن رعایت نمی‌گردد، یعنی هزینه وصول نسبت به مالیات وصولی بیشتر است. بعد از درآمدهای نفتی، عمده‌ترین درآمد دولت ایران در خصوص تأمین مالی بودجه، درآمدهای مالیاتی می‌باشند که از آن سه هدف تخصیص منابع اقتصادی، توزیع مجدد درآمد و تثبیت اقتصادی پیگیری می‌شود [3].

۳. اجتناب مالیاتی

بحث اجتناب مالیاتی بیشتر به نظر می‌رسد در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر درگیر اجتناب مالیاتی می‌شوند [4]. اجتناب مالیاتی از برنامه‌هایی است که مدیریت برای کاهش انتقال منابع مالکان به دولت و تعدیل هزینه مالیات به کار می‌گیرد تا ثروت و بازده مالکان افزایش یابد. زیرا مالیات متعلقه به سود شرکت‌ها، هزینه قابل توجهی را به شرکت و سهامداران تحمیل می‌کند. تحت قوانین موجود مالیاتی شرکت‌های تجاری بخش قابل توجهی از سود حاصله خود را باید به دولت پرداخت کنند که این موضوع باعث کاهش بازده مالکان می‌شود و این امر رغبت سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. مدیریت ممکن است جهت کاهش هزینه‌های ناشی از مالیات بر درآمد شرکت انواع گوناگونی از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را به کار گیرد، این فعالیت‌ها با ریسک بالایی همراه هستند. در سایه برنامه‌های اجتناب مالیاتی نباید هیچ اهداف دیگری وجود داشته باشد، اما ماهیت مبهم و غیرشفاف برنامه‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند موقعیت‌های مناسبی برای مدیریت فرصت‌طلب در جهت کسب منافع و سوء استفاده از منابع مالکان فراهم نماید [5]. اجتناب مالیاتی سوء استفاده مدیریت را تسهیل می‌کند و اخبار بد فعالیت‌ها برای چندین دوره انباشته می‌شود برای اینکه مدیریت می‌خواهد جایگاه شغلی خود را حفظ کند. زمانی که دوره تصدی مدیریت به اتمام رسید، اخبار بد انباشته شده به یکباره افشا می‌گردد و منجر به سقوط زیاد قیمت سهام می‌گردد [6].

۴. محتوی اطلاعاتی سود و اطلاعات اضافی شرکت‌ها

در مورد سود گزارش شده شرکت انتظار می‌رود که محتوی اطلاعاتی قابل توجهی داشته باشد به همین دلیل از ضریب تأثیر سود ERC به‌عنوان متغیری که کیفیت سود را نشان می‌دهد زیاد استفاده می‌شود [7]. ERC تغییر قیمت سهام در نتیجه یک ریال تغییر غیرمنتظره در سود را نشان می‌دهد [8]. لذا مقدار ضعیف ضریب تأثیر سود، نسبت به آنچه انتظار می‌رود به‌عنوان کاهش محتوی اطلاعاتی سود گزارش شده و در پی آن کاهش کیفیت سود تلقی می‌گردد [9]. شرکت‌ها استراتژی‌های مالیاتی متنوعی را بکار می‌گیرند که اولین و واضح‌ترین تأثیر آن صرفه‌جویی در مالیات است، و در نتیجه آن خالص جریان نقدی و

همچنین سود خالص (بعد از مالیات) افزایش می‌یابد و این یعنی افزایش ارزش شرکت [10]. اگرچه هزینه مالیات با روش‌های خاص مالیاتی به دست می‌آید اما از آنجا که با کسر نمودن این هزینه از درآمد مشمول مالیات سود خالص بدست می‌آید که مورد توجه سهامداران و سرمایه‌گذاران است لذا برنامه مالیاتی با رویکرد اجتناب از مالیات، محتوی اطلاعاتی سود را کاهش خواهد داد. به نظر می‌رسد اجتناب مالیاتی از دو طریق محتوی اطلاعاتی سود را کاهش می‌دهد.

اولاً، خود هزینه مالیات که با قصد اجتناب مالیاتی نشان داده شده محتوی اطلاعاتی ضعیف تری نسبت به حالت عادی دارد و این موضوع احتمال تعدیلات این هزینه را در آینده افزایش می‌دهد، زیرا ممکن است تلاش‌های در راستای اجتناب مالیاتی با شکست روبرو شده، در نتیجه شرکت متحمل جرایم مالیاتی شده و حداکثر مالیات را پرداخت نماید. دوماً، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد که اجتناب مالیاتی محتوی اطلاعاتی سود مشمول مالیات را کاهش دهد. ERC یک علامت رایج برای کیفیت سود حسابداری است که بر محتوی اطلاعاتی سود گزارش شده تاکید دارد، این در حالیست که مدیران ممکن است تمایل داشته باشند که اطلاعات دیگری به غیر از سود را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند تا آنها بهتر بتوانند تصمیم‌گیری کنند به عبارت دیگر اطلاعاتی که مکمل سود گزارش شده باشند. علاوه بر آن ممکن است سرمایه‌گذاران از منابع دیگر نیز اطلاعاتی کسب کنند که آنها را در تصمیمات قیمت‌گذاری یاری دهد [11]. در راستای بررسی و اندازه‌گیری رابطه بین اجتناب مالیاتی و اطلاعات اضافی شرکت‌ها از تغییرات قیمت بازار سهام استفاده می‌شود و تغییرات آن در تناسب با سطح اجتناب مالیاتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵. فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

فرار مالیاتی از جمله فعالیت‌هایی است که ممکن است شرکت‌ها بوسیله آن سعی در کاهش مالیات نمایند. در یک عبارت ساده به هر نوع اقدام غیر قانونی جهت عدم پرداخت صحیح مالیات از قبیل حساب سازی، عدم ارایه دفاتر، انجام فعالیت اقتصادی بدون رسم و نشان و امثال آن فرار مالیاتی اطلاق می‌گردد. با تاملی در سیر تاریخ مشخص می‌گردد که وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی سبب شده نقش مالیات در بین درآمدهای دولت کم‌رنگ شده و مکانیزم کارآمدی برای جذب آن مدنظر قرار نگیرد و از طرفی به واسطه پایین بودن فرهنگ مالیاتی، مالیات‌گریزی به یک پدیده ارثی مبدل گشته که نسل به نسل تداوم یافته و اشکال پیشرفته تری به خود می‌گیرد. اقتصاد سیاه یا زیرزمینی با زیر سوال بردن عدالت افقی و عمودی در نظام مالیاتی پایه‌های نظام اقتصادی کشور را متزلزل می‌سازد و دولت را در تحقق اهدافش ناتوان می‌نماید. مالیات وسیله‌ای برای توزیع مجدد درآمد و تعدیل‌کننده ثروت جامعه و به بیان کلی تر سالم‌سازی اقتصاد که در مقابل آن اقتصاد وسیع زیرزمینی قرار دارد که ناشی از ناکارآمدی نظام مالیاتی و به تبع آن فرار مالیاتی است، با کاهش میزان درآمدهای مالیاتی توزیع عادلانه درآمد و ثروت به درستی صورت نخواهد گرفت.

در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد تعریف شده است، گسترده و محدود. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به صورت کاهش آشکار مالیات به ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات تعریف می‌گردد. طبق این تعریف تمام معاملاتی که بر بدهی مالیاتی آشکار شرکت اثر می‌گذارند در زمره اجتناب مالیاتی قرار می‌گیرند و بین فعالیت‌های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت‌های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می‌شوند و لابی‌هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می‌شوند، تفاوتی قائل نمی‌شود [12]. طبق این تعریف، اگر اجتناب مالیاتی را به صورت طیفی از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی در نظر بگیریم، در یک سر طیف اجتناب مالیاتی قانونی خواهد بود مانند سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت و در سر دیگر طیف اجتناب مالیاتی غیر قانونی قرار می‌گیرد [13]. از سوی دیگر، برخی اجتناب مالیاتی را اقداماتی قانونی به منظور کاهش بدهی مالیاتی تعریف می‌نمایند. در بعد محدود، تمایز بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مودیان دارد. فرار مالیاتی نوعی تخلفی از قانون است، زمانیکه مودی از گزارش درآمد مشمول مالیات مربوط به کار یا سرمایه خود خودداری می‌کند، دست به یک اقدام غیرقانونی می‌زند که وی را در معرض برخورد قانونی از جانب مراجع مالیاتی قرار می‌دهد. در مقابل، اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام می‌شود و مودی دلیلی برای نگرانی بابت کشف احتمالی اقدامات خویش ندارد [12]. اجتناب مالیاتی، استفاده از خلأ قانونی و یا به تعبیری دیگر سوء استفاده رسمی از قوانین و معافیت‌ها و مشوق‌های قانونی است. در این تحقیق، بعد محدود اجتناب مالیاتی مدنظر است و اقدامات قانونی صورت پذیرفته، سوء استفاده‌های رسمی از قانون و مقررات که در جهت کاهش تعهدات مالیاتی صورت می‌پذیرد، در زمره فعالیت‌های اجتناب مالیاتی تلقی می‌شود.

اجتناب مالیاتی دارای پیامدهای بالقوه مستقیم و غیر مستقیم بسیاری می‌باشد. کاهش هزینه مالیات، افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش پناهگاه‌های مالیاتی و احتمال وضع مالیات بیشتر و در نظر گرفتن جرایم مالیاتی و فشار احتمالی دولت برای در نظر گرفتن مالیات بیشتر از این شرکت‌ها، کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن کاهش ارزش شرکت از جمله پیامدهای غیر مستقیم فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشند [13]. علاوه بر این ممکن است

به دلیل عدم مسئولیت پذیری جامعه نیز این شرکت‌ها را تحریم و برای آنها شهرت منفی بوجود آورد که این موارد نیز از جمله پیامدهای غیر مستقیم اجتناب مالیاتی می‌باشد.

۶. مالیات

مالیات بر درآمد بر مبنای سود شرکت‌ها تعیین می‌گردد و سهم قابل توجهی از درآمد مالیاتی دولت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. در بیشتر نظام‌های مالیاتی، برای محاسبه سود شرکت‌ها، یکسری هزینه‌ها طبق قوانین مالیاتی به عنوان هزینه‌های قابل قبول از درآمد ناخالص شرکت‌ها کسر می‌گردند. علاوه بر این، در بیشتر کشورها نیز به دلایل متعددی از قبیل حمایت از برخی صنایع، تشویق و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، حمایت از سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه، یکسری معافیت و تخفیف‌های مالیاتی به شرکت‌ها اعطا می‌شود [14]. مالیات در حقیقت به نوعی پرداخت هزینه اجتماعی می‌باشد، تعاریف مختلفی از آن ارایه شده است، برای نمونه صندوق بین‌المللی پول مالیات را وجوه اجباری، غیر جبرانی و غیر قابل برگشتی تعریف می‌نماید که برای مقاصد عمومی توسط دولت مطالبه می‌شود. با این حال مالیات بر درآمد از منظر شرکت‌ها هزینه و از منظر دولت و جامعه، مالیات بر درآمد را می‌توان پرداخت سهم دولت از سود و درآمدهای کسب شده شرکت‌ها و یا به عبارتی دیگر مطالبه حق و حقوق جامعه از شرکت‌ها تلقی نمود. موضوع ماهیت مالیات را می‌توان از منظر تئوری ذینفعان و سهامداران و سایر نظریه‌های مطرح مورد بررسی قرار داد. هزینه‌های مالیاتی از جمله هزینه‌های عمده‌ای می‌باشند که افراد و بنگاه‌ها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود، متحمل می‌شوند. به دلیل آنکه پرداخت مالیات ثروت را از شرکت و مالکان به دولت منتقل می‌نماید، اغلب شرکت‌ها اقدامات مدیریتی خود را به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌نمایند که تعهدات مالیاتی خود را حداقل نمایند [12].

۷. هزینه‌های مربوط به برنامه مالیاتی شرکت

در تحقیقات گذشته هزینه‌های مختلفی در ارتباط با برنامه مالیاتی شرکت‌ها شناسایی و مطرح گردیده است که به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند، هزینه‌هایی که واضح و آشکارند و هزینه‌های دیگری که مشهود نیستند. هزینه‌های مشهود شامل، هزینه‌های توسعه و تجهیز برنامه مالیاتی، هزینه دستمزد مستقیم و غیر مستقیم، هزینه‌های حسابرسی، هزینه‌های سیستم اطلاعاتی. کاهش محتوی اطلاعاتی و کاهش تأثیر سود گزارش شده از جمله هزینه‌های ضمنی و غیرمشهود ناشی از اجتناب مالیاتی محسوب می‌شود [13].

۸. ارزش ذاتی سهام

روش‌های مختلفی برای تعیین زمان مناسب برای تصمیم‌گیری در بازار سهام وجود دارد که توجه به ارزش ذاتی سهام یکی از این معیارها است. ارزش ذاتی در واقع همان ارزش واقعی هر سهم است که در نتیجه تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر وضعیت یک شرکت پس از بررسی‌های دقیق به دست می‌آید. ارزش ذاتی در بیشتر مواقع با ارزش روز سهام تفاوت دارد و همین مسأله‌ای است که برای سرمایه‌گذاران زیرک فرصت کسب سود را فراهم می‌کند. ارزش فعلی جریان‌های نقدی که سهام یک شرکت در آینده برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند، تعیین‌کننده ارزش ذاتی سهام است. بنابراین، سود مورد انتظار آینده شرکت یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین قیمت است. سهامداران ارزش ذاتی سهام را با توجه به نرخ رشد آینده شرکت مشخص می‌کنند. در برآورد جریان‌های نقدی آینده عدم اطمینان‌هایی وجود دارد که هر کدام از سهامداران براساس درک و مفروضات خود اقدام به برآورد آنها می‌کنند. این در حالی است که رویدادهای بعدی در عالم واقعیت است که تعیین‌کننده روند قیمتی سهام براساس سودآوری واقعی می‌شود.

اگر فضای خوش‌بینی در بازار حاکم باشد، ارزش جاری بالاتر از ارزش ذاتی سهام قرار می‌گیرد و در حالت بدبینی هم معمولاً تخمین‌ها از واقعیت که بعدها اتفاق می‌افتد، محتاطانه‌تر است. از آنجا که در روش‌های متفاوت، مفروضات و نرخ‌های تنزیل متفاوتی برای جریان‌های نقدینگی و تعیین ارزش ذاتی در نظر گرفته می‌شود، ارزش ذاتی هم نزد کارشناسان متفاوت با اختلافاتی همراه است. برای محاسبه ارزش ذاتی با دو مرحله مواجه هستیم، تعیین جریان‌های نقدی آتی سهام و تعیین نرخ بازده مورد انتظار برای تنزیل جریان‌های نقدی آتی با توجه به ریسک سهام. در بازار سرمایه ایران بیشتر به بخش اول این فرآیند توجه می‌شود، یعنی بیشتر تلاش‌ها معطوف به تعیین سود سال‌های آینده است، اما برای نرخ تنزیل معمولاً یک نرخ ثابت (مثلاً ۲۰ درصد) برای همه شرکت‌ها در نظر گرفته می‌شود و کمتر به این موضوع توجه می‌شود که جریان نقدی سهام مختلف، دارای درجات ریسک مختلف هستند، بنابراین نرخ بازده مورد انتظاری که برای تنزیل جریان‌های نقدی آنها استفاده می‌شود نیز، باید متفاوت باشد. اگرچه کارشناسان براساس تئوری‌ها و مدل‌های علمی نظیر مدل گوردون اقدام به محاسبات ارزش ذاتی می‌کنند، اما در نهایت واقعیت‌های بعدی ممکن است ما را به تردید برساند. زیرا خاصیت بازار سهام این گونه است که همواره ریسک و شرایطی خارج از مفروضات اساسی ما تأثیری را بر روند قیمت سهام می‌گذارند که ما نمی‌توانیم در محاسبات خود آنها را لحاظ کنیم. در هر صورت تعیین ارزش ذاتی

بحثی فنی و تئوریک است و راه‌اندازی شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری نیز برای ارائه این محاسبات صحیح‌تر به بازار شکل گرفته است [12].

۹. پیشینه تحقیق

بیور و همکاران [21] برای اندازه‌گیری محتوی اطلاعاتی سود از ضریب واکنش بازده به تغییرات سود در دوره ای مشخص استفاده کرده‌اند. به این ترتیب ضریب پاسخ سود معیاری برای محتوی اطلاعاتی سود به شمار می‌رود. فیلیپس به بررسی این موضوع پرداخت که آیا منوط کردن پاداش مدیرعامل و مدیران واحد تجاری به معیارهای عملکرد حسابداری پس از مالیات، منجر به کاهش نرخ موثر مالیاتی می‌شود یا خیر؟ وی دریافت که این کار منجر به کاهش نرخ موثر مالیات تعهدی می‌شود. چنین نتیجه‌ای در چارچوب نمایندگی با این دیدگاه مطابقت دارد که اگر اجتناب مالیاتی فعالیت دارای ارزش افزوده باشد و از سوی دیگر چنانچه محرک‌های پاداش، منافع مدیران و مالکان را همسو نماید، شرکت‌هایی که از محرک عملکرد پس از مالیات بیشتری استفاده می‌کنند، اجتناب مالیاتی بیشتری نیز دارند. دسای و همکاران [10] معتقدند که وجود ماموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت می‌شود. همچنین نحوه حاکمیت و رهبری شرکت‌ها بر روی سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیرگذار است، حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود.

موسر و خورانا [15] در بررسی رابطه‌ی اجتناب مالیاتی با سهام داران نهادی نشان دادند که مالکیت نهادی بر پوشش مالیاتی تأثیر معناداری دارد. در شرکت‌هایی که افق سرمایه‌گذاری کوتاه مدت داشته باشند، پنهان کاری مالیاتی بیشتر است. چون می‌خواهند در کوتاه مدت مالیات بیشتری ذخیره شود تا سود و ارزش سهام خود را افزایش دهند. اما اگر افق سرمایه‌گذاری بلند مدت باشد، شدت رابطه مالکیت نهادی با پوشش مالیاتی تعدیل می‌گردد. دسای و همکاران [10] با بررسی نمونه‌ای بزرگ از شرکت‌ها، بیان کردند که اجتناب مالیاتی یکی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی است و سرمایه‌گذاران در شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی خوبی دارند، تلاش‌های مربوط به اجتناب مالیاتی را در راستای افزایش ارزش شرکت مناسب می‌دانند. وانگ [16] بیان می‌دارد که اجتناب مالیاتی با افشا شرکتی رابطه‌ی قوی دارد. همچنین در شرکت‌های با کیفیت افشاء بالا، اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت رابطه مثبت معناداری دارد. چن و همکاران [17] سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی را مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای غیر خانوادگی خود اجتناب مالیاتی کمتری دارند. شرکت‌های خانوادگی شرکت‌هایی هستند که اعضای خانواده موسس شرکت، در مقام مدیریت ارشد، هیئت مدیره یا سهامداران عمده و بلوکی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در این شرکت‌ها یک تضاد نمایندگی منحصر به فرد میان سهامداران عمده و خرد شکل می‌گیرد. هزینه نمایندگی از آنجا ناشی می‌شود که مالیات یکی از هزینه‌های مهم شرکت و سهامداران می‌باشد و معمولاً انتظار می‌رود سهامداران اجتناب مالیاتی را ترجیح دهند، اما نتایج تحقیق مؤید آن است که مالکان خانوادگی بیشتر از سایرین نگران جریمه‌های بالقوه و لطمه به خوشنامی و اعتبار ناشی از ممیزی دولت می‌باشند و انگیزه کمتری برای اجتناب مالیاتی دارند. جیونگ و بن کیم [6] با انجام تحقیقی به این نتیجه رسیدند که رابطه مستقیم و معناداری بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت آتی سهام وجود دارد، زیرا اخبار بد ناشی از اجتناب مالیاتی تا زمان تغییر مدیریت افشا نمی‌گردد و با تغییر وی، یکدفعه افشا و بازار سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما اگر در شرکت ساز و کار افشای کارآمد و قوی مثل سهامداران نهادی و تجزیه و تحلیل صورت گرفته از گزارش‌های مالی شرکت وجود داشته باشد، همه اخبار بد انباشته نمی‌شوند که در صورت انتشار یکباره آنها کاهش شدید قیمت سهام اتفاق بیفتد. هوپس و همکاران [18] به تحقیق در مورد این موضوع پرداختند که، آیا میزان اداره‌داری اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را کشف می‌نمایند یا خیر؟ آنها با بررسی خود به این نتیجه رسیدند که افزایش در میزان نظارت اداره مالیات بر درآمد، موجب کاهش قابل ملاحظه در اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود.

در ایران نیز جهرومی [12] به بررسی رابطه سطح اجتناب مالیاتی و شفافیت شرکت‌ها پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد که رابطه معناداری بین اجتناب مالیاتی و شفافیت شرکت‌ها وجود ندارد. با این حال وقتی وی این رابطه را بوسیله نرخ موثر مالیات نقدی سه ساله مورد آزمون قرار داد دریافت، شرکت‌هایی که شفافیت کمتری دارند نرخ موثر مالیاتی بالاتری دارند و در نتیجه اجتناب مالیاتی کمتری دارند. نتیجه تحقیق وی مؤید رویکرد ارزش آفرینی در خصوص اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بود. همچنین وی استدلال کرد که برای استفاده از نرخ موثر مالیاتی بهتر است از میانگین پنج ساله نرخ موثر مالیاتی استفاده نمود تا کاهش نوسانات و دامنه تغییرات بهتر شود. سروستانی [19] به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت و نوع مالکیت با نرخ موثر مالیات پرداخت. وی دریافت که اندازه شرکت به طور منفی نرخ موثر مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و استدلال نمود این امر مؤید تئوری قدرت سیاسی در ایران می‌باشد. تقفی [20] با بررسی همگرایی قیمت و ارزش ذاتی سهام به این نتیجه رسید که، ارزش‌های دفتری حسابداری، در محاسبه ارزش ذاتی سهام و شکل‌گیری عرضه و تقاضا در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیرگذار است و دارای ارتباط مثبت و معنی داری با قیمت سهام می‌باشد.

۱۰- نتیجه‌گیری

همان گونه که ذکر شد هر چه نرخ موثر مالیاتی ETR کمتر باشد، اجتناب مالیاتی بیش تر خواهد بود، با افزایش اجتناب مالیاتی، محتوای اطلاعاتی سود حسابداری کاهش می‌یابد. در حال حاضر بسیاری از واحدهای تجاری که از مالیات اجتناب می‌کنند متوجه هزینه‌های غیر مستقیم ناشی از برنامه مالیاتی خود نیستند، بنابراین یافته‌های تحقیقاتی از این دست باید مورد توجه مدیران قرار گیرد تا آنها بهتر برنامه مالیاتی شرکت‌های خود را ارزیابی کنند. با توجه به نتایج این تحقیق تا حدودی می‌توان پی برد که چرا برخی از مدیران برای برقراری یک برنامه مالیاتی با رویکرد اجتناب از مالیات تلاش نمی‌کنند، احتمالاً آنها هزینه‌های غیر مستقیم ناشی از این کار را تشخیص می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که هر چه شرکت اجتناب مالیاتی بیشتری داشته باشد، تغییرات قیمت بازار سهام در نتیجه اطلاعات افشا شده این شرکت‌ها کمتر است. این بیانگر آن است که در شرکت‌های با اجتناب مالیاتی بالاتر مدیران نمی‌توانند با افشای اطلاعات دیگری تأثیر اجتناب مالیاتی را بر اطلاعات گزارش شده خود خنثی کنند به عبارت دیگر قادر به جبران هزینه‌های غیر مستقیم ناشی از اجتناب مالیاتی نیستند.

مراجع

1. Dechow, Patricia, Weili Ge, and Catherine Schrand (2010). Understanding Earnings Quality: A Review of The Proxies, Their Determinants and Their Consequences. *Journal of Accounting and Economics* 50.344-401.
2. Zimmerman, Jerold (1983). Taxes and Firm Size. *Journal of Accounting and Economics* 5. 119-149.
۳. شوروزی، محمدرضا و احمدرضا رحمانی، (۱۳۹۰). بررسی تفاوت معافیت‌های قانونی مالیاتی اعمال شده توسط حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی و ماموران تشخیص مالیات سازمان امور مالیاتی کشور: مطالعه موردی استان خراسان رضوی. پژوهش نامه مالیات، شماره ۱۰، ص ۳۵-۹.
4. Allingham, Michael G. and A. Sandmo (1972). Income Tax Evasion: A Theoretical Analysis. *Journal of Public Economics*, 1. 323-338.
5. Gupta, s., and K. Newberry (1997). Determinants of The Variability in Corporate Effective Tax Rates: Evidence From Longitudinal Data. *Journal of Accounting and Public Policy* 16. 1-34.
6. Jeong-Bon kim., Li Krannert., Liandong Zhang (2010). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm Level Analysis, Working Paper.
7. Ball, R., and P. Brown (1968). An Empirical Evaluation of Accounting Numbers. *Journal of Accounting Research*. 78-159.
8. Collins, Daniel, and S.P. Kothari (1989). An Analysis of Intertemporal and Cross-sectional Determinants of Earnings Response Coefficients. *Journal of Accounting and Economics* 11. 143-181
9. Holthausen, Robert, Robert verrecchia (1988). The Effect of Sequential Information Release on the Variance of Price Changes in an Intertemporal Multi-Asset Market. *Journal of Accounting Research*. 82-106
10. Desai, M.A., and D. Dharmapala (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *The Review of Economics and Statistics* 91. 537-546.
11. Kothari, S P, and Jerold Zimmerman (1995). Price and Return Models. *Journal of Accounting and Economics* 15. 155-192.
۱۲. جهرومی، مهتاب، (۱۳۹۱). شفافیت شرکت‌ها و اجتناب از مالیات. رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حسابداری از دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
13. Hanlon, M., and S. Heitzman (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics* 50. 127-178.
۱۴. سعیدی، پرویز و عبدالحکیم کلامی (۱۳۸۸). تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی. مجله مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجند، شماره ۷، ص ۱۱۲-۹۳.
15. Khur Ana, k. and Moser w (2009). Institutional Ownership and Tax Aggressiveness. Working Paper. University of Missouri at Colombia.
16. Wang, Xiaohang (2012). Tax Avoidance, Corporate Transparency, and Firm Value. Working paper, university of Nottingham
17. Chen, s., Chen, x., Cheng, Q., Shevlin, T (2010). Are Family Firm More Tax Aggressive Than Non Family Firm? *Journal of Financial Economics* 20. 267-292.
18. Hoopes, Jeffrey, Devan Mescall, and Jeffrey Pittman (2012). Do IRS Audits Deter Corporate Tax Avoidance? *The Accounting Review* 87. 1603-1639.
۱۹. سروستانی، امیر، (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت و نوع مالکیت با نرخ موثر مالیات شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حسابداری از دانشکده مدیریت دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۲۰. تقفی، علی، (۱۳۹۰). نقش گزارشگری مالی در همگرایی قیمت و ارزش ذاتی سهام. فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۳، ص ۲۸۰-۲۵۳.
21. Beaver, w., Clark W.H.R. and Wright, W.F. (1979). The Association Between Unsystematic Security Returns and The Magnitude of Earnings Forecast Errors. *Journal of Accounting Research*, Vol. 17, No. 2. 316-340